

# مبانی روان‌شناختی روشهای تربیت دینی کودکان و نوجوانان

دکتر غلامعلی افروز

محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله‌برای‌ابلاغ‌آنها  
مبعوث‌شده‌اند،‌همگی‌منطبق‌بر‌ویژگیهای  
فطری‌حاکم‌بر‌نفسانیات‌و‌نیازهای‌اساسی  
انسان‌موجود‌بوده،‌زمینه‌ساز‌رشد‌وتعالی  
انسان‌مطلوب‌است.‌به‌عنوان‌مثال،‌در‌مکتب  
تربیتی‌اسلام‌همه‌آنچه‌به‌گونه‌ای‌مستقیم‌و  
غیرمستقیم‌به‌رشد‌جسمانی،‌ذهنی‌و‌شناختی،  
روانی‌و‌اجتماعی‌انسان‌آسیب‌می‌رساند  
(باتوجه‌به‌ماهیت‌آنها)،‌حرام‌یا‌مکروه‌است‌و  
همه‌آنچه‌به‌عنوان‌عوامل‌مؤثر‌در‌رشد‌زیستی  
و‌شناختی‌و‌روانی‌و‌اجتماعی‌انسان‌محسوب  
می‌گردد،‌حلال‌و‌مستحب‌می‌باشد. ... ولدینا  
کتاب‌ینطق‌بالحق! به‌سخن‌دیگر‌در‌صورت  
اذعان‌به‌این‌حقیقت‌که‌انسان‌فطرتاً‌موجودی  
است‌خداجو‌و‌برنامه‌ها‌و‌دستورهای‌دینی‌نیز  
جملگی‌براساس‌نیازهای‌فطری،‌سلامت  
جسم،‌بهداشت‌فردی‌و‌اجتماعی‌و‌رشد‌و  
تعالی‌شخصیت‌انسان‌استوار‌می‌باشد،  
می‌بایست‌فرایند‌تربیت‌دینی‌به‌معنای‌دقیق

از‌برجسته‌ترین‌ویژگیهای‌فطری‌کودکان‌و  
نوساوغان‌در‌بعد‌شناختی،‌کنجکاوی‌و  
جست‌وجوگری‌است،‌و‌این‌کنجکاوی‌و‌رفتار  
جست‌وجوگرانه‌و‌کاشفانه‌بستر‌خداجویی‌و  
خمیرمایه‌خلاقیت‌و‌خود‌شکوفایی‌است.  
برهمن‌اساس‌در‌میان‌آن‌دسته‌از‌کودکان‌و  
نوجوانان‌خلاق‌و‌نوآوری‌که‌از‌قدرت  
کنجکاوی‌فوق‌العاده‌ای‌برخوردارند،‌احساس  
مذهبی،‌کمال‌جویی،‌معاداندیشی،‌نگرش  
جاودانگی‌و‌فطرت‌عاشقه‌بیش‌از‌دیگران  
مشهود‌است.

از‌سوی‌دیگر‌با‌یک‌نگاه‌کلی‌به‌مبانی‌و  
دستورالعمل‌های‌مذهبی‌به‌سادگی‌درمی‌یابیم  
که‌مجموعه‌آداب‌و‌ترتیب‌ها‌و‌بایدها‌و  
نبایدهای‌دینی‌که‌پیامبران‌الهی‌به‌ویژه‌حضرت

نخواهیم بود نقش مؤثری در تربیت پذیری دینی کودکان و نوجوانان داشته باشیم.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، کنجکاوی کودکان که خود یک نعمت بزرگ الهی است، پدیده‌ای عاطفی - شناختی به شمار می‌آید؛ و مقدمه ظهور رفتارهای کنجکاوانه و پرسش‌های کاوشگرانه کودکان که پایه‌های باورها و اعتقادات آنان را نسبت به پدیده‌های مختلف محیط اطراف و جهان هستی فراهم می‌سازد، رضامندی عاطفی و آرامش روانی است. بنابراین هرگونه قصور در تأمین چنین نیاز حیاتی و محرومیت کودک از عطوفت و محبت و احساس فقر عاطفی، ضمن تحدید رفتارهای کنجکاوانه به میزان قابل ملاحظه، از رغبت‌ها و تمایلات عاطفی و طبیعی او در توجه عمیق به رفتار الگوهای بزرگسال و یادگیری خوشایند مشاهده‌ای و همانندسازی با آنها می‌کاهد.

پس ضروری‌ترین مقدمه و اولین گام در

کلمه به طبیعی‌ترین وجه در دوران مختلف رشد صورت پذیرد و به آسانی شاهد تبلور رفتارهای مذهبی در کودکان و نوجوانان باشیم. اما چگونه است که تاکنون در تربیت دینی کودکان و نوجوانان به گونه‌ای که انتظار می‌رود موفق نبوده‌ایم؟

واقع امر این است که در غالب موارد والدین، مربیان تربیتی و الگوهای رفتاری بزرگسال باایمان به فطری بودن دین و مستعد بودن ساختار وجودی بچه‌ها در پذیرش آرمانها و ارزشهای دینی، در حسن بهره‌جستن از ارانه ارزشها و مؤثرترین روشهای تربیت دینی توفیقات چندانی نداشته‌اند. چراکه بدون توجه به ویژگیها و نیازهای زیستی، عاطفی، ذهنی و اجتماعی کودکان و تشخیص و تبیین، تقدم و تأخر و اهمیت و حساسیت این نیازها در موقعیتها و شرایط مختلف و مراحل گوناگون رشد و انتخاب مناسبترین روشها، قادر



شهره شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

فرایند تربیت به معنای اعم و تربیت مذهبی به مفهوم اخص، محبت است و بس. به همین دلیل است که به تعبیری دین را محبت به خدا و اهل بیت علیهم السلام و خوش رفتاری با دیگران دانسته اند. محبت به کودکان و خوش رفتاری با آنان به توسط الگوهای بزرگسال، به ویژه با هیأت مذهبی و در هنگامه های تعظیم و تکریم ارزشهای الهی و ادای وظایف دینی، مؤثرترین و پایدارترین روش در ارضای نیازهای فطری و ایجاد نشاط روانی و احساس خوشایند و دوست داشتنی در آنها نسبت به ارزشها و رفتارهای مذهبی است. به فرموده پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله، از نظر خداوند نیز مسرور ساختن دل مؤمنان و ایجاد نشاط در وجود کودکان و نوجوانان و خوش رفتاری با آنان از بهترین عملهاست.<sup>۲</sup>

همه ما دوست داریم که شاهد بروز و ظهور رفتارهای مذهبی کودکان و نوجوانان باشیم، اما عمده‌تاً از مبانی نظری و عملی رفتارهای دینی چندان آگاهی نداشته، برای ایجاد یا افزایش فراوانی رفتارهای دینی از سریع‌ترین و راحت‌ترین روشها، بخصوص روشهای کلامی و تبلیغی، موعظه و منطق و بعضاً تهدید و تنبیه بهره می‌گیریم. درحالی که غالب رفتارهای ما در زمینه‌ها و ابعاد مختلف براساس بازخورد و بینشی است که در آن زمینه در ما بارور شده است. بازخورد و بینش دینی که خاستگاه رفتارهای مذهبی ما می‌باشد، خود حاصلی است از آمیزه دو عنصر شناخت و احساس نسبت به پدیده‌ها، باورها، آداب و رفتارهای مذهبی. همیشه با زبان منطق و استدلال نمی‌توان استعداد فطری حقیقت‌جویی در کودکان را بیدار نگاه داشت و پرورش داد.

پرورش احساس مذهبی در کودکان و نوجوانان کاری است بسیار ظریف و حساس و درعین حال ساده و آسان. باید باور داشته باشیم که مهمترین کار در تربیت دینی کودکان توجه به چگونگی احساس و نگرش آنها نسبت به ارزشها و رفتارهای دینی است. احساسات و عواطف مؤثرترین نقش را در تکوین شخصیت، تنظیم هدفها و برنامه‌های زندگی و روابط فردی و اجتماعی دارد.

چگونگی نگرش یا بازخورد کودکان و نوجوانان نسبت به جهان هستی، محیط اطراف، آداب و ترتیب و ارزشهای حاکم بر خانه، مدرسه و جامعه متأثر از دو عامل تعیین کننده یعنی برداشتهای ذهنی (شناخت) و احساسات و عواطف است. کودکان و نوجوانان به تناسب رشد ذهنی و روانی خود نسبت به هر پدیده و الگو و رفتاری که به طور مستقیم و غیرمستقیم در حوزه شناختی آنها قرار می‌گیرد، در شرایط و موقعیت‌های مختلف و با توجه به چگونگی دریافت اولین تجارب شناختی، احساسی خوشایند یا ناخوشایند نسبت به آنها پیدا می‌کنند. هرگاه شناختی که انسان نسبت به پدیده‌ها و مسائل مختلف پیدا می‌کند توأم با احساسات ناخوشایند و نامطلوب باشد، نتیجه‌ای جز به وجود آمدن نگرش یا آمادگی روانی منفی و بازدارنده به همراه نخواهد داشت، که طبعاً تغییر چنین نگرشی نیز مستلزم تلاش بسیار خواهد بود. بدیهی است در قلمرو مذهب هم چنانچه پدیده، نگرش و رفتار تازه‌ای که کودکان و نوجوانان با آن آشنا می‌شوند، متضمن احساس خوشایند و دوست داشتنی برایشان بوده، پاسخی برای ارضای نیازهای عاطفی آنها باشد، زمینه ایجاد



نگرش یا آمادگی روانی مثبت و مولد در وجودشان فراهم می‌آید و بستر تبلور رفتارهای مذهبی هموار می‌گردد.

احساس نسبت به باورها، تعظیم و تکریم‌ها، آداب و رفتارهای مذهبی بسیار مهم و تعیین‌کننده است. رشد عواطف و احساسات از همان ماههای اول زندگی کودک و با اولین لبخندها متجلی می‌شود. در ماهها و سالهای اول زندگی، مجموعه اشکها و لبخندها، کششها و گریزهای کودکانه حکایتگر چگونگی تشکیل و تکوین بازخوردها و نگرشهای مختلف در آنها نسبت به رفتارها، ارزشها و آداب و ترتیبهاست.

به بیان دیگر نگرش و احساسی که کودکان و نوجوانان نسبت به مسائل و پدیده‌های گوناگون پیدا می‌کنند، پایه‌های نخستین رفتارها و شخصیت آنها را تشکیل می‌دهد. بنابراین در تعلیم و تربیت به طور اعم و در تربیت مذهبی به طور اخص و بویژه در دوران کودکی و نوجوانی توجه به نقش خوشایندی

کودکان و نوجوانان در یادگیری و کسب عادات مطلوب و همانندسازی با الگوهای مطلوب بزرگسال در خانه و مدرسه، بیش از آن که متأثر از بیان وعظ و منطق و استدلال باشند، وجودشان مملو از عواطف و احساسات است و مستعد پذیرش کلام حق و انصاف به صفات رشدیافتگان مکتب از طریق زبان مهر و محبت‌اند.

با ایجاد احساسات خوشایند در کودکان و نوجوانان، زمینه یادگیری رفتارهای مطلوب، پدیدآیی انگیزه‌های رشد، همانندسازی و انصاف به صفات الگوهای دلخواه فراهم می‌گردد.

بنابراین در تعلیم و تربیت به طور اعم و در تربیت مذهبی به طور اخص و بویژه در دوران کودکی و نوجوانی توجه به نقش خوشایندی

## خانه و مدرسه و احیاء و پرورش احساس مذهبی در کودکان

غالب رفتارهای انسان براساس یادگیری استوار است و اولین و مهمترین پایگاه یادگیری کانون خانواده است، زیرا خمیرمایه شخصیت انسان در خانواده تکوین می‌یابد و نگرشها، رغبتها، رفتارهای خوشایند و ناخوشایند نسبت به پدیده‌های مختلف، از خانه سرچشمه می‌گیرد. علی علیه‌السلام می‌فرماید: "صفحه دل نوجوان همچون زمین مستعدی است که هیچ گیاهی در آن نرویده و آماده هر نوع بذرافشانی است."<sup>۳</sup>

کودکان تشنه یادگیری هستند و نیاز به دانستن و پی‌بردن به راز هستی، یک نیاز فطری است. آنها به صورت‌های مختلف می‌آموزند، به طور مستقیم و غیرمستقیم، آگاهانه و یا ناآگاهانه. برای کودکان همه جا مدرسه و کلاس درس است و همه کس می‌تواند معلم و مربی باشد.

این که همه کودکان بالفطره کنجکاو و کاوشگر هستند، خود نشانی است از همان نیاز آنها به دانستن، فهمیدن و پی‌بردن به علتها و معلولها. همه وجود کودکان مملو از سؤال است، سؤال از چراییها و چگونگیها، اما همیشه و همه کودکان پرسش‌های خود را به زبان نمی‌آورند. بسیاری از سؤالات کودکان را باید در سیما و چشمان نظاره‌گرشان جست‌وجو کرد. به بیان دیگر حقیقت بین بودن حکم می‌کند که همواره به گونه‌ای باشیم که گویی نگاه‌ما، سخن ما و رفتارهای ما پاسخی است به سؤال و نیاز نهفته فرزندانمان و سرمشقی باشیم برای مشق و درس چگونه زیستنشان.

کودکان ما پیوسته می‌آموزند و نسبت به هر چیزی که فرا می‌گیرند احساس تازه‌ای پیدا می‌کنند. باید تلاش کنیم که آموخته‌های آنها با تجارب خوشایند و دوست‌داشتنی همراه باشد. وقتی که انسان از موضوع یا مسأله‌ای که با آن مواجه شده است، احساس خرسندی و خوشنودی کند، آن موضوع یا مسأله را با راحتی، رضامندی و رغبت به خاطر سپرده، دیرتر فراموش می‌کند.

بر مبنای آنچه گفته شد باید زیباترین و خوشایندترین اوقات کودکان و نوجوانان در کانون خانواده زمانی باشد که بزرگترها، بخصوص پدر و یا مادر آماده اقامه نماز می‌شوند، روزه‌دار هستند، واجبی را ادا می‌کنند، صلوة ارحام می‌نمایند، به حجاب اسلامی آراسته می‌شوند، به مسجد و حسینیه و زیارت می‌روند، قرآن و دعا می‌خوانند و... چرا که اگر خدای ناکرده حزن و اندوهی وجودشان را فرا گرفته، یا اگر چهره‌ای گرفته و خشمگین دارند و برقراری ارتباط با آنها دشوار است، وقتی که وضو می‌گیرند خشم فروکش<sup>۱</sup> می‌کند، چهره‌ای متبسم و مهربان می‌یابند و آن گاه که به نماز می‌ایستند، آنچنان است که گویی گمشده‌شان را یافته‌اند، آرام و با صلابت، متین و مطمئن و استوار با خدای خود سخن می‌گویند، و نوبتی دیگر هدف از حیات و معاد را ترسیم می‌نمایند و برای ماندن بر صراط حق دعا می‌کنند.

هنگامی که کودکان بارها و بارها چنین حالت زیبایی را در والدین خود مشاهده کنند، در روانشان احساسی بسیار لطیف و خوشایند جلوه‌گر می‌گردد و به نماز و نمازگزار، مکان و حالت نماز علاقه‌مند می‌شوند. این است که



انسان باید لطیف‌ترین و عارفانه‌ترین حالت و زیباترین صورت را در نماز و تکریم ارزشهای الهی و انجام وظایف دینی داشته باشد.<sup>۵</sup> معلمان و مربیان مدارس نیز به مشابه الگوهای مطلوب کودکان و نوجوانان زمانی می‌توانند توفیقات چشمگیری در پرورش یا تقویت احساس مذهبی و تبلور رفتارهای دینی آنها داشته باشند که شخصیت مذهبی ایشان برای بچه‌ها بسیار دوست‌داشتنی و محبوب باشد.

آنگاه که شخصیت معلمان و مربیان آمیزه‌ای از عطف و محبت، منطق و استواری باشد و با مهر و عطفشان نیاز همیشه بچه‌ها را به درک و محبت پاسخگو باشند و با صبوری و استواری، اعتماد به نفس و استقلال شخصیت را در آنان تقویت نمایند، همه بچه‌ها قلباً شیفته چنین مربیانی شده، با آمادگی روانی با ایشان همانندسازی می‌کنند و به طور مستقیم و غیرمستقیم بیشترین و پایدارترین یادگیریهای کلامی و غیرکلامی را از گفتار و رفتار آنان خواهند داشت.

خلاصه کلام آن که اگر در مدرسه نیز محبوب‌ترین، خوش‌اخلاق‌ترین و با محبت‌ترین معلمان و مربیان از نظر دانش‌آموزان، کسانی که بیش از دیگران متعهد به تعظیم و تکریم ارزشهای مذهبی و رفتارهای دینی هستند عهده‌دار تدریس علوم قرآنی و دینی باشند، بالطبع می‌توان مطمئن و امیدوار بود که در آن مدرسه زمینه رشد و تربیت دینی بچه‌ها کاملاً فراهم است. مسلماً مربیان مذهبی خوش‌اخلاق، خوش‌رفتار و با محبت که در برخوردشان با بچه‌ها بیش از هر چیز به نیازهای عاطفی آنها توجه دارند، همیشه سعی می‌کنند

مناسبتها، مراسم و رفتارهای مذهبی را در نزد کودکان و نوجوانان با تجارب و احساسات خوشایند همراه کنند و به عبارتی مذهب و اندیشه و رفتار مذهبی را بسیار زیبا، جالب و جاذب و شیرین و دوست‌داشتنی در اذهان آنها جلوه‌گر نمایند. فی‌المثل مربیان متعهد و دلسوز و آشنا به مبانی روان‌شناختی مذهب، سعی می‌کنند در بیان یا ظهور هر اندیشه و رفتار مذهبی احساس خوشایندی در قلوب پاک بچه‌ها فراهم آورند.

گرچه معلم هنر، ریاضی و ورزش باشند، تدریس قرآن و علوم دینی را عهده دار شوند.

تنها در سایه محبت مستمر الگوهای بزرگسال و محبوب در خانه و مدرسه است که بچه‌ها ضمن بهره‌گیری از برنامه‌های مثبت صدا و سیما در جهت تقویت بینش‌ها و رفتارهای مذهبی، از آفات و بدآموزیهای این رسانه‌ها و بعضی از برنامه‌های مذهب‌زدایی، بمباران عروسکها، حملات مهاجمان فرهنگی و توطئه‌های مأموران ضد مذهبی مصون خواهند بود.

#### پاورقیها:

- ۱ - سورة مؤمنون، آیه ۶۲
- ۲ - احبّ الاعمال الى الله بعد الفرائض، ادخال السرور علی المسلم - بهترین کارها در پیش خدا بعد از ادای واجبات، خوشحال کردن مسلمانان است. (نهج الفصاحه، ترجمه پاینده، انتشارات جاویدان).
- ۳ - نهج البلاغه
- ۴ - پیامبر (ص) فرمودند: اگر عصبانی شدید وضو بگیرید، همان طوری که آب آتش را خاموش می‌کند، وضو نیز خشم را فرو می‌نشاند. (نهج الفصاحه)
- ۵ - یا بنی آدم خذوا زینکم عند کل مسجد (سورة اعراف، آیه ۳۱)

#### منابع:

- ۲ - نهج البلاغه
- ۳ - نهج الفصاحه
- ۴ - افروز، غلامعلی، روشهای پرورش احساس مذهبی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
- ۵ - افروز، غلامعلی، روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
- ۶ - افروز، غلامعلی، روان‌شناسی تربیتی کاربردی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان

در مدرسه‌ای که می‌توان از آن به عنوان پایگاه واقعی تربیت و پرورش احساس و رفتار مذهبی نام برد، بچه‌ها معلمان مذهبی را بیشتر از دیگران دوست دارند و باتمایل درونی، خودشان را با آرمانها و رفتارهای دینی آنها همانند می‌کنند. در این مدرسه بچه‌ها با میل و رغبت و احساسی خوشایند ارزشهای مذهبی را تکریم می‌نمایند. در این مدرسه کسی از درس قرآن و دینی تجدید و مردود نمی‌شود و نمره‌ای کمتر از بالاترین نمی‌گیرد. در این مدرسه بچه‌ها می‌آموزند که روزها و مناسبتهای دینی برایشان ارزشمندترین ایام و پربهاترین ارمغانهاست. در این مدرسه، روزی که به یک مناسبت دینی، مثلاً مبعث، میلاد و رحلت پیامبر (ص) و یا تولد و شهادت امام معصومی (ع) کلاسها تعطیل است، معلمان و مربیان مدرسه آن روز را برای بچه‌ها روزی پربرکت و ارزشمند جلوه می‌دهند و لذا با دادن تکالیف درسی مضاعف، احساس آنها را خدشه‌دار نمی‌کنند، بلکه برای پراهمیت نشان دادن آن روز، بچه‌ها را از انجام تکالیف درسی معاف می‌دارند؛ چراکه آن روز، به عنوان مثال روز تولد امام زمان علیه‌السلام است و بچه‌ها باید اوقاتی خوش و پربرکت داشته باشند، و یا تاسوعا و عاشورا است و بچه‌ها نباید هیچ تکلیف درسی فوق‌العاده‌ای داشته باشند، مگر توصیه به شرکت در حسینیه‌ها و دسته‌های عزاداری و ... آری، شایسته آن است که با تدبیری دوباره اساس تربیت دینی را بر سرمایه‌ای از مهر و محبت استوار نموده، از تأثیر رفتار محبت‌آمیز و نقش مربیان محبوب و دوست داشتنی در متبلور کردن رفتارهای مذهبی کودکان غافل نباشیم و بگذاریم محبوب‌ترین معلمان مدرسه،